

مقدمه

«ژان گوتمن» پژوهشگر و پدر جغرافیای سیاسی نوین می‌گوید: اگر سطح کره زمین مانند توپ پینگ‌پونگ صاف و بدون پستی و بلندیهای گوناگون بود، مباحثی چون جغرافیای سیاسی و روابط بین‌الملل و اهمیت ژئوپولیتیک و استراتژیک مناطق نیز وجود نداشت. در همین رابطه، منطقه خلیج فارس با توجه به برخی ویژگیهای منحصر به فرد خود، یکی از مناطق استراتژیک و ژئوپولیتیک مهم دنیا محسوب می‌شود. البته موقعیت و اهمیت ژئوپولیتیک و استراتژیک آن مسأله‌ای جدید نیست، بلکه از قرن‌ها قبل امری شناخته شده و مورد نظر قدرتهای زمان بوده است.

خلیج فارس از قرن‌ها پیش و از زمان تمدن بین‌النهرین به عنوان یک آبراه مهم تجاری و نظامی اهمیت ویژه داشته است. چنانچه فنیقیها - به عنوان اولین اقوام تاجرپیشه و بازرگانان موفق جهان - از طریق آبراه خلیج فارس بین هندوستان و دریای مدیترانه تجارت می‌کرده‌اند. امپراتوری هخامنشی (بوئزه داریوش اول) نیز با استفاده از همین آبراه بر منطقه‌ای وسیع از آسیا و آفریقا حکمرانی و دریاسالاری می‌کرد. در قرن سوم قبل از میلاد مسیح نیز، اسکندر مقدونی متوجه موقعیت و اهمیت ویژه جغرافیایی خلیج فارس به عنوان یک پُل ارتباطی بین بخشهای غربی و شرقی امپراتوری خود شده بود، بنابراین تصمیم گرفت شبه‌جزیره عربستان را تسخیر کند. ضمناً، وصیتنامه «پطرکبیر» امپراتور روسیه تزاری دائر بر لزوم دسترسی به آبهای گرم (خلیج فارس و دریای سیاه) به منظور تحقق هدفهای آرمانی روسیه برای گسترش قلمرو آن امپراتوری نیز، حاکی از اهمیت ژئوپولیتیک این آبراه است.

وجود ذخایر عظیم نفت و گاز در این منطقه و نیز موقعیت تنگه هرمز به عنوان تنها مَعبر ورودی و خروجی خلیج فارس، بویژه نقش آن در عبور و مرور مطمئن و مداوم نفت به وسیله نفتکشها، اهمیت استراتژیک تنگه هرمز و خلیج فارس را افزایش داده است. عرض کم تنگه هرمز و وجود تعدادی جزیره و نیز ارتفاعات ساحلی در مجاورت خطوط اصلی کشتیرانی، همواره باعث حساسیت شدید کشورهای غربی نسبت به مسأله امنیت منطقه بوده است. تلاش امریکا و شوروی سابق برای توسعه نفوذ سیاسی و اقتصادی خود در بین کشورهای منطقه، و ایجاد و توسعه پایگاهها و تسهیلات گوناگون نظامی و تدارکاتی در بنادر و کشورهای خلیج فارس و ماوراء منطقه، بویژه از پایان جنگ جهانی دوم به بعد نیز، حاکی از اهمیت و حساسیت شدید خلیج فارس است.

در بررسی تاریخ طولانی و پُر از کشمکش و رقابت منطقه خلیج فارس، دو رخداد مهم تاریخی سرنوشت آن را بکلی دگرگون ساخت: اول، کشف راه آبی جدید «دماغه امینیک» (در منتهی الیه جنوب قاره افریقا) به وسیله «واسکودوگاما» دریانورد پرتغالی بود که باعث شد از اوایل قرن شانزدهم میلادی به بعد حضور و نفوذ استعمار کهنه در منطقه شروع شود (به وسیله پرتغالیها) و تا سال ۱۹۷۱ به مدت چند قرن از سوی قدرتهای چندگانه زمان ادامه یابد. دوم، کشف و تولید نفت برای اولین بار در ایران (و در خاورمیانه) در شروع قرن بیستم بود، که نه فقط یکی از مهمترین رخدادهای تاریخی - سیاسی منطقه به شمار می آمد، بزودی آن را به بزرگترین منطقه نفتی جهان نیز تبدیل کرد. همین امر، زمینه رقابت شدید و مداوم قدرتهای بزرگ وقت را افزایش داد و باعث بروز مشکلات و دردهای فراوان برای ساکنان همجوار خلیج فارس شد که تاکنون نیز ادامه دارد. از طرف دیگر، نفت به عنوان «طلای سیاه»، بتدریج ثروت، رفاه و آسایش را برای کشورهای نفتی منطقه به ارمغان آورد؛ یعنی عاملی که بویژه جوامع شیخ نشین و سنتی و بدوی جنوب خلیج فارس را به جوامعی مرفه و جدید تبدیل کرد.

جدا از مسائل ناشی از رقابتهای نفتی کشورهای بزرگ در منطقه، خلیج فارس در دهه های قرن بیستم شاهد رخدادهای و تغییر و تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، و نظامی گوناگون بوده است؛ از جمله: دو جنگ جهانی اول و دوم و آثار و پیامدهای

ناخوشایند آن برای منطقه، شکل‌گیری نظام دوقطبی پس از جنگ جهانی دوم و رقابت شدید دو ابرقدرت امریکا و شوروی در خلیج فارس (بویژه در رابطه با ایران، عربستان سعودی و عراق)، کسب استقلال کشورهای منطقه در فاصله سالهای بین دو جنگ جهانی و پس از آن (تا زمان خروج نیروهای استعمار کهنه انگلستان از خلیج فارس و شرق سوئز در سال ۱۹۷۱)، تدوین و اعلام دکترینهای ترومن، آیزنهاور، نیکسون، کارتر، برژنف، ریگان، و غیره (که هدف اجرایی آنها عمدتاً متوجه کشورهای خاورمیانه و خلیج فارس بوده است)، ترتیبات امنیتی منطقه در طول قرن بیستم، پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تحولات سیاسی-اجتماعی ناشی از آن در خاورمیانه، تشکیل نیروهای واکنش سریع امریکا و عملکردها و عکس‌العملهای مربوط، شکل‌گیری شورای همکاری خلیج فارس و آثار منطقه‌ای آن، وقوع جنگ هشت ساله ایران و عراق و پیامدهای ناگوارش (بحران اول)، تجاوز نظامی عراق به کویت و نتایج و آثار سیاسی-نظامی آن (بحران دوم) و بالاخره شکل‌گیری نظم نوین جهانی پس از بحران دوم خلیج فارس به عنوان نقطه عطفی در عرصه سیاستهای منطقه‌ای و بین‌المللی.

در میان حوادث متعدد خلیج فارس، حمله تجاوزکارانه عراق به کویت و اشغال خاک آن کشور در اوت ۱۹۹۰- که آخرین رخداد مهم منطقه‌ای به‌شمار می‌رود- از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ چرا که زمینه ظهور دوران کاملاً جدیدی را هم در منطقه خلیج فارس و هم در صحنه سیاست جهانی و روابط بین‌الملل فراهم کرد. این دوران جدید، عبارت از «نظم نوین جهانی» با ویژگیهای سیاسی و اقتصادی نوینی است که در مقایسه با دوران «نظام دوقطبی» قبل از آن، تفاوتهای فاحشی دارد. همین امر منشأ یک رشته تغییر و تحولات عمیق سیاسی-نظامی در خلیج فارس شد که ترتیبات امنیتی جدید منطقه و استقرار ثابت نیروهای نظامی امریکا در خلیج فارس (در قالب «ناوگان پنجم دریایی» آن کشور) از جمله آنها به‌شمار می‌روند. همین امر، وضعیت و شرایط جدید سیاسی-نظامی را بر کشورهای همجوار و سیاستهای منطقه‌ای خلیج فارس حکمفرما کرده است.

در زمینه مسائل گوناگون خلیج فارس، تاکنون کتابهای زیادی به زبان فارسی

تدوین و منتشر شده است، که البته در مقام مقایسه با متون مشابه خارجی بسیار اندک است؛ بنابراین، همچنان زمینه و فرصتهای زیادی برای انجام پژوهشهای گوناگون علمی و انتشار متون مدون مربوط به مسائل منطقه وجود خواهد داشت، بویژه اینکه به اعتقاد نویسندگان و با توجه به وضعیت جغرافیایی ایران از نظر همجواری با خلیج فارس و نیز سوابق دیرین تاریخی آن، برعهده پژوهشگران و اساتید ایرانی متخصص مسائل خلیج فارس است که هرچه بیشتر بر حجم اطلاعات و پژوهشهای علمی - بومی منطقه بیفزایند. در راستای هدف یاد شده، نویسنده بر آن بوده که مهمترین مسائل خلیج فارس را پژوهش و در یک کتاب واحد تدوین و منتشر کند. البته انجام این مسئولیت، امری خطیر و مشکل بوده است؛ زیرا تاکنون، درباره ابعاد گوناگون مسائل جغرافیایی، تاریخی، نفت و انرژی، اقتصادی و تجاری، سیاسی، اجتماعی، نظامی و بالاخره رخدادهای متعدد آن، کتابهایی عمدتاً مجزا و ویژه بررسی یک یا چند موضوع محدود منتشر شده است؛ بنابراین به استثنای یکی دو مورد معدود و از نظر محتوایی محدود تاکنون کتابی که حاوی بررسی و مرور مهمترین مسائل خلیج فارس در زمینههای گوناگون باشد، به رشته تحریر درنیامده است. در همین راستا، بنا به سفارش «سمت»، اینجانب عهده دار تدوین یک کتاب مبنایی و در عین حال درسی دانشگاهی شدم. بنابراین، تأکید می شود که متن حاضر در درجه اول با هدف تدوین یک کتاب مبنایی (بنیادی) در زمینه شناخت خلیج فارس و مسائل آن برای استفاده عموم علاقه مندان و پژوهشگران، و در درجه دوم به عنوان یک کتاب دانشگاهی و در قالب سه واحد درسی نگاشته شده است؛ لذا با توجه به حجم صفحات کتاب، عمدتاً مطالعه بخش دوم آن (شامل هفت فصل) به اساتید و دانشجویان عزیز درس «خلیج فارس و مسائل آن» توصیه می شود.

امید است مجموعه حاضر بتواند بخشی از نیازهای علمی و پژوهشی دانشجویان، اساتید، کارشناسان و تحلیلگران مسائل خلیج فارس و خاورمیانه را برآورده سازد، ان شاء الله.

بیژن اسدی

مهر ماه ۱۳۷۹